

# علم أصول الفقه

٢٩-١١-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٤٩

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- یعنی در اینجا قیاس استنباطی وجود ندارد که یک مقدمه‌ی آن، قاعده‌ی اصولی باشد و مقدمه‌ی دیگر قاعده‌ی فقهی. در حالی که وقتی می‌گوییم «تیمم به مطلق وجه الارض جایز است؛ چون صعید ظهور در وجه الارض دارد»، یک قیاس فقهی صورت گرفته است؛ زیرا یک مقدمه‌ی آن قاعده‌ی اصولی است که در آن حجیت ظهور مطرح می‌شود. قبل از ضمیمه‌ی مقدمات در مثال فوق، نسبت به حکم شرع قضاوتی نداریم؛ اما بعد از قیاس، حکم شرعی مطرح می‌شود.

## حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- به عبارت دیگر ما در موارد یقین، یقین به حکم شرعی داریم و حکم شرعی حجت است؛ اما حجیت یقین شرعی نیست.
- با یقین به حکم، حکم برای ما ثابت است؛ اما در نهایت چیزی زاید بر یقین به حکم وجود ندارد که در پرتو یک قیاس به دست آمده باشد.

## حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- به تعبیر شیخ انصاری:
- حجت وسطی است که باعث ثبوت اکبر برای اصغر می شود و یقین وسط یک قیاس قرار نمی گیرد تا اکبر را برای اصغر ثابت نماید.

## حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- بنابراین حجیت قطع در عداد بحث‌های فلسفه‌ی علم اصول قرار می‌گیرد و از آنجا که از یک تصدیق - یعنی قطع حجت است - سخن می‌گوییم، این بحث از مبادی تصدیقی به حساب می‌آید و به سبب آن که یقین لفظ ندارد و یک محتواست، در زمره‌ی مبادی مختص به حجت غیر لفظی جای می‌گیرد.

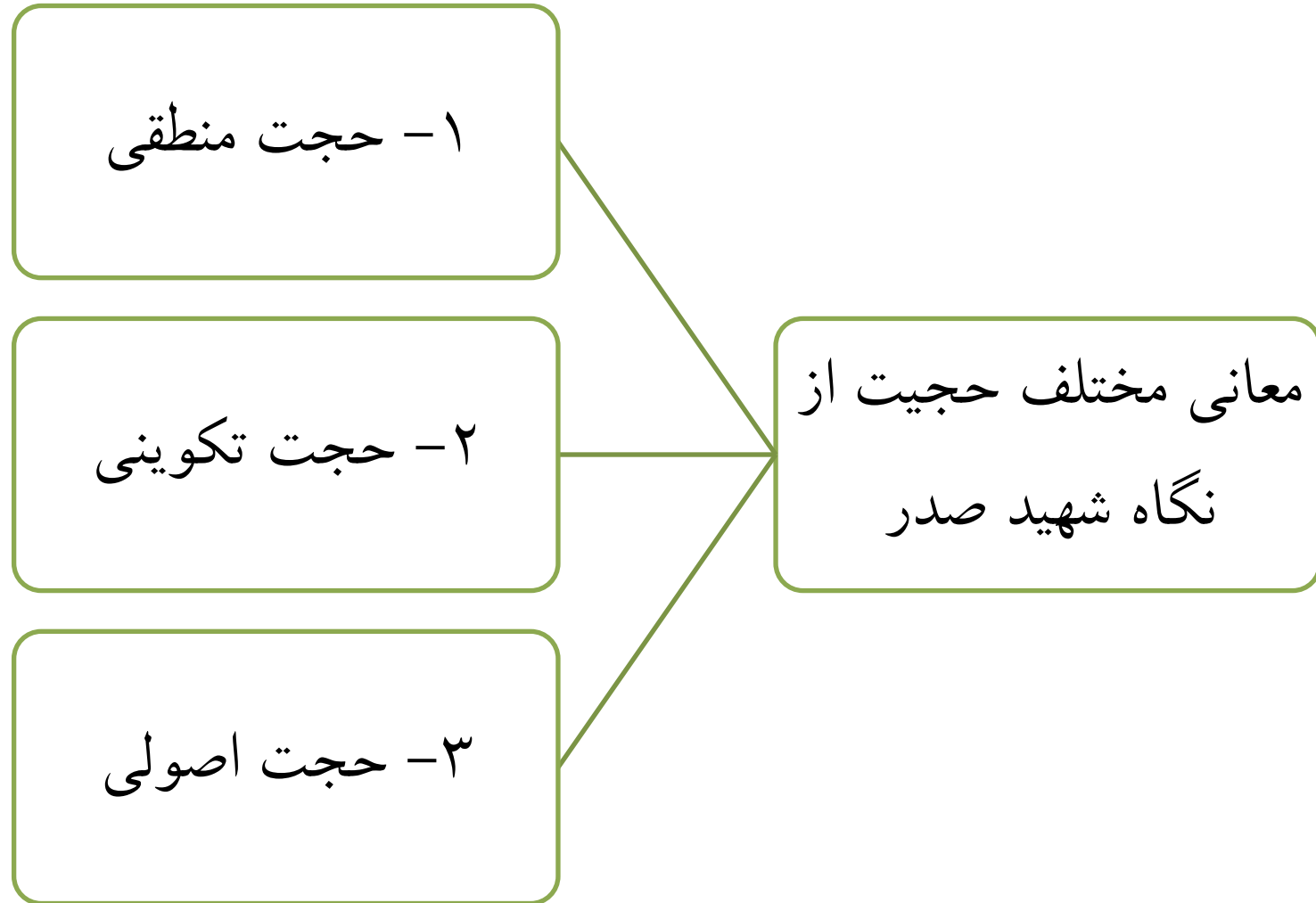
## حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- و توجه داریم در بحث حجیت یقین کاری به متعلق یقین نداریم. متعلق یقین می تواند یک لفظ باشد. آنچه در اینجا مهم است خود یقین است که لفظ نیست.

## معانی حجیت

- شهید صدر قبل از ورود در بحث یقین به ذکر معانی مختلف حجیت می پردازد و سه معنا برای آن ذکر می کند:
- ۱- حجت منطقی
- ۲- حجت تکوینی
- ۳- حجت اصولی

## معانی حجیت





## معانی حجیت

- ۱. حجیت منطقی:
- حجیت در اصطلاح منطقی‌ها به معنای حقانیت است و مقصود از حجیت یقین، واقع‌نمایی آن است.

## معانی حجیت

- آنچه شهید صدر به عنوان حجت منطقی ذکر می‌کند در واقع حجت فلسفی است.
- بحث واقع‌نمایی علم که در اصطلاح امروزی در حوزه‌ی معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد، یک بحث فلسفی است نه یک بحث منطقی.
- منطقی با حقانیت گزاره‌ها کاری ندارد. او با فرض صحت یک گزاره یا چندین گزاره، در جستجوی گزاره یا گزاره‌های ملازم آن است.

## معانی حجیت

- شیخ انصاری تعریف دیگری از حجت منطقی ذکر می‌کند. وی حجت منطقی را وسطی می‌داند که اکبر را برای اصغر اثبات می‌نماید.
- اما شاید تعریف دقیق‌تر و جامع‌تر این است که حجت منطقی، تصدیق یا تصدیقات معلومی است که تصدیق مجهولی را به تصدیق معلوم تبدیل می‌کند.

## معانی حجیت

- توضیح آن که هر گاه با مجهولی مواجه می شویم به معلومات مخزون در ذهن مراجعه می کنیم و با سامان دادن آن معلومات، مجهول را به معلوم تبدیل می نماییم. در این صورت فرایند فکر صورت گرفته است.

## معانی حجیت

- فکر در دو وادی جریان دارد:
- ۱. در وادی تصورات که با کمک معلوم‌های تصویری، به یک مجهول تصویری دست می‌یابیم.
- ۲. در وادی تصدیقات که به استناد معلوم‌های تصدیقی، مجهولات تصدیقی را به معلوم‌های تصدیقی تبدیل می‌نماییم.
- معلوم‌های تصویری را معرف و معلوم‌های تصدیقی را حجت می‌نامیم.
- حجیت در منطق مربوط به عالم اثبات است و به واقع و عالم ثبوت کاری ندارد.

## معانی حجیت

- بنابراین اگر چه قیاس در منطق مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ اما حجت در اصطلاح منطقی منحصر در قیاس نیست. حال آن که تفسیر شیخ انصاری، آن را به قیاس اختصاص می‌داد.

## معانی حجیت

- ۲. حجیت تکوینی:
- تأثیری را که یقین تکویناً در شخص صاحب یقین ایجاد می‌کند و منشأیتی را که یقین برای صاحب یقین در مقام عمل دارد، حجیت تکوینی می‌نامیم.
- به طور مثال فردی که یقین دارد شیری به سمت او می‌آید، فرار می‌کند. فرار اثر یقینی است که در فرد پیدا شده است.

## معانی حجیت

- بین حجیت تکوینی و حجیت به معنای فلسفی که در مورد قبل به اشاره بیان نمودیم، امکان تفکیک وجود دارد.
- حجت فلسفی بیانگر حقانیت و مطابقت با واقع است. بنابراین امکان دارد بر اثر یک یقین، عملی از صاحب یقین صادر شود، اما این یقین مطابق با واقع نباشد. در این صورت حجیت تکوینی حاصل است بدون این که حجیت فلسفی وجود داشته باشد.



## معانی حجیت

- ۳. حجیت اصولی:
- شهید صدر حجیت اصولی را از فرمایش مرحوم آخوند اخذ کرده است. آخوند حجیت یقین را به منجزیت و معذرت تفسیر می‌کند.
- وقتی می‌گوییم: یقین حجت است، مقصود این است که عمل بر طبق یقین واجب است و یقین موجب تنجز تکلیف می‌شود، همان طور که در صورت خطا، صاحب یقین معذور است و یقین در این موقع معذر خواهد بود.

## معانی حجیت

- بحث منجزیت و معذرت از یک سو در حوزه‌ی تکالیف و از سوی دیگر در روابط عبید و موالی مطرح می‌شود.
- اگر عبد به نحوی از انحاء، تکلیفی را احراز نماید به گونه‌ای که مولی بتواند او را بر ترک آن عقاب و بر انجام آن ثواب دهد، تکلیف منجز می‌شود. آنچه منجز تکلیف است، حجت نام دارد.
- از آن سو، اگر عبد، عدم تکلیف را احراز نماید و احراز او حجت باشد، در مقابل مولی عذر خواهد داشت و حجت در این صورت معذر است.

## معانی حجیت

- با توجه به معانی مختلف حجیت که از قول شهید صدر بیان نمودیم و با توجه به توضیحاتی که در ذیل آنها عرضه کردیم، در نهایت چهار معنا برای حجیت به دست می‌آید و عبارت «یقین حجیت است» در هر یک از آنها به یک معنا است:

## معانی حجیت

- أ. از نظر منطقی، حجیت یقین آن معلومات یقینی است که منشأ رفع جهل و شک انسان نسبت به مجهول تصدیقی می شود.

## معانی حجیت

- ب. از نظر فلسفی، حجیت یقین مطابقت متیقن با واقع است و یقین در این صورت واقع نما است و حقانیت دارد.

## معانی حجیت

- ج. از نظر تکوینی یقین در نفس صاحب یقین آثاری تکوینی ایجاد می نماید.

## معانی حجیت

- د. از نظر اصولی حجیت یقین به معنای منجزیت و معذرت است. در صورت مطابقت یقین با واقع و عمل بر طبق آن، شخص مستحق ثواب و در صورت ترک عمل مستحق عقاب خواهد بود و در صورت عدم مطابقت یقین با واقع و عمل بر طبق یقین شخص مکلف، معذور است.

## حجیت مورد بحث

- حجیت مورد بحث
- آنچه در اینجا مورد نظر ما است، حجیت اصولی است. در اینجا نه بحث منطقی داریم و نه فلسفی و نه به دنبال آثار تکوینی یقین هستیم. حتی بحث‌های معرفت نفس و روان شناختی نیز در این بحث مد نظر نیست. سؤال مهم مطرح در اینجا این است که آیا یقین به معنای اصولی معذور و منجز تکلیف است؟ اصولی‌ها معذرت و منجزیت یقین را پذیرفته و بر آن استدلال نموده‌اند.



- . ر.ك: مهدي هادوي تهراني، تأملات في علم اصول الفقه، كتاب اول، دفتر دوم، مبحث «تعريف علم اصول».

## معانی حجیت

- شهید صدر دو دوره خارج اصول داشت که دوره‌ی دوم نیمه تمام ماند. دو نفر از شاگردان وی - آقای حائری و آقای هاشمی - به تقریر درس اصول پرداختند. آقای حائری دوره‌ی اول را تقریر نمود اما از آنجا که از ابتدای دوره‌ی اول در درس حضور نداشت بخشی از تقریرات وی مربوط به دوره‌ی دوم است. وی بخشی از دوره‌ی دوم درس اصول شهید صدر را نیز درک نمود و خیلی قبل از دستگیری استاد به ایران آمد. آقای هاشمی که دوره‌ی دوم اصول را درک نموده بود، به تقریر دوره‌ی دوم پرداخت و آن مقدار از بحث‌های اصول را که در دوره‌ی دوم مطرح نشده بود با کمک تقریر دیگران تکمیل نمود. بحث‌هایی مثل احتیاط، استصحاب، تعادل و ترجیح مربوط به دوره‌ی اول علم اصول است و در دوره‌ی دوم وجود ندارد. بنابراین بخشی از تقریرات این دو شاگرد با همدیگر یکسان است و در بخش‌هایی با هم تفاوت دارد. مطلبی که هم اکنون از شهید صدر نقل می‌کنیم، بر اساس تقریرات آقای هاشمی است.
- سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، مبحث «حجیة القطع»، ج ۴، صص ۲۷ - ۲۸.
- ر.ک: شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۴.
- آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۲۵۸.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- دلیل بر معذرت و منجزیت قطع
- بر معذرت و منجزیت یقین دلیلی اقامه شده که به شرح زیر است:

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- اگر عبد نسبت به تکلیفی یقین داشته باشد، عمل بر طبق آن مصداق عدل و مخالفت با آن از مصادیق ظلم است. او باید بر طبق یقین عمل کند و نباید با آن مخالفت نماید. در این صورت اگر یقین مطابق با واقع باشد، منجز تکلیف است و اگر نباشد، معذر است.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- بدین ترتیب استدلال کنندگان «حجیت یقین به معنای اصولی» را از راه قاعده‌ی وجوب عدل و حرمت ظلم اثبات می‌کنند: عمل به یقین از مصادیق عدل است و واجب، و ترک عمل به یقین از مصادیق ظلم است و حرام.